

جنبش اصلاحی زنان قبیسی

* نویسنده: عبدالرحمن الحاج

چکیده:

«زنان قبیسی» جنبشی اسلامی و بین‌المللی است که در کشورهای سوریه، اردن، فلسطین و حتی فرانسه، انگلیس، کشورهای اسکاندیناوی، کانادا و ایالات متحده فعالیت دارد. این جنبش که در دهه شصت توسط خانم منیره قبیسی بنیان گذاشته شد، امروزه به حرکتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده که توجه دستگاه‌های امنیتی و طیف‌های سیاسی را به خود جلب کرده است. این مقاله به معرفی این جنبش، شخصیت و دیدگاه بنیان‌گذار آن و فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی آن می‌پردازد.

« زنان قبیسی» یا "قبیسیات" جنبشی اسلامی و بین‌المللی است که در کشورهای سوریه، اردن، فلسطین، لبنان، کویت، مصر و حتی فرانسه، انگلیس، کشورهای اسکانداوی، کانادا و ایالات متحده فعالیت دارد. «فعالیت در سایه» این گروه موجب شده داستان‌ها و حکایت‌های عجیب و غریبی درباره آنها منتشر شود که گاه شکل افسانه به خود می‌گیرند.

هم‌چنین فعالیت این شبکه پیچیده در میان طبقه اشراف، مسئولان و سران کشورها موجب شده توجه دستگاه‌های امنیتی و سیاسی به سوی این جنبش معطوف گردد. اندیشه‌ها و گرایش‌های صوفی این گروه سبب شده تا سلفی‌ها و نیز پیروان رویکردهای افراطی دینی و جنبش‌های اسلامی سیاسی‌گرا و جهادی از آنان انتقاد کنند.

اهتمام رسانه‌ای و اقدامات دراماتیک

به جز حمله‌ای که گروه‌های سلفی- در کویت و اردن- و نیز جماعت احباش - در لبنان- به این ارگان داشته‌اند، زنان قبیسی به فعالیت مخفیانه و در سایه خود در دهه های گذشته ادامه داده است. تا پیش از روی کار آمدن بشار اسد در سوریه- به عنوان

خاستگاه زنان قبیسی- به سال ۲۰۰۰ میلادی، توجه چندانی به این گروه نمی‌شد. اما پس از این سال و با گسترش و فزونی گرفتن تأثیر زنان قبیسی در جامعه سوریه، این گروه مورد اهتمام بیشتری قرار گرفت؛ به طوری که در سال ۲۰۰۲ این توجه و اهتمام به سطح رسانه ای رسید. رسانه‌های محلی و نیز شبکه‌های ماهواره ای در سوریه، این گروه را در قالب سریال‌های کمدی و دراماتیک مورد نقد قرار دادند. به عنوان مثال یکی از قسمت های سریال کمدی «بِقَعَةُ النور»^۱ به زنان قبیسی اختصاص یافت و بر مسأله نفوذ این گروه در طبقه اشراف و اریستوکرات‌ها متمرکز شد. در این سریال زنان قبیسی به عنوان نهادی معرفی شد که به منظور تحقق اهداف و منافع اقتصادی شخصی از فعالیت های تبلیغی استفاده ابزاری می نمایند.

در سال ۲۰۰۴ میلادی، سریال «عَصَى الدَّمْع»^۲ به نقد افکار، اندیشه ها و تصورات دینی قبیسی‌ها پرداخت - در این سریال تصورات دینی آنان، تصورات بسته معرفی شد. - در رمضان ۲۰۰۶ سریال «الباقون» به کارگردانی «نجدت انزور» سه قسمت خود را با عنوان «برزخ» با هدف تقویت گسترش قبیسی‌ها و تصورات فکری آنها که در محافل قبیسی منتشر می‌شود، به تبیین اسلوب تبلیغی قبیسی‌ها پرداخت.

در مارس ۲۰۰۶ به دنبال اهتمام صریح برخی دستگاه‌های امنیتی به گروه زنان قبیسی، مطبوعات با هدف آشناسازی با این گروه شروع به نگارش تحقیقات مطبوعاتی کردند. ابراهیم حمیدی در روزنامه الحیة گزارشی بلند ارائه داد که عنوان آن «دوشیزگان قبیسی» حجاب سرمه‌ای دارند و از شبکه گسترده تدریس برخوردارند: در سوریه با موافقت مقامات این کشور اقدام به وارد کردن زنان به عرصه تبلیغ اسلامی اهتمام می‌ورزند». هم‌چنین شعبان عبود در روزنامه النهار، چاپ لبنان، گزارشی با عنوان «علمای دین، گسترده‌تر از فرهیختگان حضور دارند» ارائه داد که در آن بر اهتمام امنیتی به پدیده قبیسی‌ها متمرکز شد. از این تاریخ به بعد برخی از مطبوعات جهانی، مانند نیوزویک و نیویورک تایمز و دیگران به هنگام پرداختن به خطر اسلام و اسلام سیاسی در سوریه - در قالب گزارش‌های بلند و یا به صورت اشاره- به این پدیده توجه داشته‌اند.

گام های آغازین...منیره القبیسی

^۱ یک تکه نور

^۲ یعنی کتمان کننده بغض

خانم منیره القبیسی متولد ۱۹۳۳ و دوشیزه بزرگ این گروه در دهه شصت قرن گذشته میلادی هنگامی که جنبش اسلامی در سوریه در اوج فعالیت خود قرار داشت اقدام به تأسیس این گروه کرد. وی در خلال تدریس بیولوژی در مدارس دمشق فعالیت خود را انجام داد. با شدت گرفتن فعالیت‌های این شیخ کبیر که اندیشه‌هایش بسیار نزدیک به افکار مفتی فقید سوریه «شیخ احمد کفتارو» بود، تصمیم گرفت در دانشکده شریعت در دمشق به تحصیل علوم دینی به طور آکادمیک بپردازد. شخصیت کاریزماتیک منیره القبیسی موجب شد وی توان جذب گروهی از زنان دمشق را به داخل جنبش خود پیدا کند و آنان را به شیوه خودش وارد فعالیت‌های تبلیغی سازد.

این‌که چرا شخصیت‌های عضو این جنبش از طبقه ثروتمندان و خانواده‌های اصیل دمشق و حلبی بودند - مانند خانواده‌های: جحا، قویدر، الشیشکلی، الطباع، الغباز، الکزبری، تسابجی، الزاید- قابل فهم نیست. اما برای آن‌که یک جنبش دینی بتواند در جامعه تأثیر قوی و فعالی داشته باشد، باید در نخستین مرحله، خود را در محافل مدنی و بدنه شهروندی گسترش دهد. بانوی مؤسس گروه قبیسی نیز همین کار را کرد. برداشت‌های متفاوتی از این پدیده شده است، اما به هر حال انتشار و گسترش تبلیغی این گروه در محافل ثروتمند و بانفوذ، به آنان کمک کرد تا فعالیت خود را در میان محافل مدنی زنان گسترش دهند و از سوی دیگر، این عامل موجب شد تا آنان به زنان مسئول و صاحب نفوذ و نزدیک به طبقه ثروتمندان، نزدیک شوند؛ به طوری‌که به تعبیر شعبان عبود، - به نقل از یک افسر امنیتی سوری - «زنان قبیسی در برابر دستگاه‌های امنیتی به مانع مبدل شده اند، چراکه روابط این شبکه عنکبوتی گسترده و پیچیده می باشد. ...

بارها اتفاق افتاده که دستگاه‌های امنیتی سوریه برای احضار یکی از این زنان به دستگاه امنیتی سوریه با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو شده‌اند، چراکه آنان از زنان هستند و این امر وجهه این دستگاه امنیتی را در میان جامعه و مردم خدشه دار نموده و پیامدهای ناخوشایندی را از خود به جای گذاشته است.» به گفته این نهاد امنیتی، در بیشتر موارد، به دلیل احضار یکی از این زنان با دخالت مقامات بلندپایه روبه‌رو هستیم که جویای سبب احضار آنها می‌شوند.

نگاهی از درون

پیروان زنان قبیسی به دهها هزار تن رسیده است. اما پس از گذشت چهار دهه از گسترش دعوت زنان قبیسی همچنان این اختلاف وجود دارد که: آیا زنان قبیسی یک سازمان به شمار می روند یا این که صرفاً گروهی دینی و احیاگر از سوی زنان می باشد؟ چون میان آنان سلسله مراتب هرمی وجود دارد که رنگ حجاب و پوشش در هر طبقه و رده متفاوت می باشد. همچنین قواعد و خط مشی هایی در میان آنان وجود دارد که انتقال از رتبه ای به رتبه دیگر بر اساس این قواعد انجام می شود. برنامه های فرهنگی و آموزشی مشخص و سطح بندی شده میان آنان وجود دارد که این امر چارچوب فکری ویژه ای به زنان قبیسی داده و این عوامل به آنان شکل سازمانی می بخشد. به هر حال این شکل سازمانی به آنان کمک فراوانی کرده تا به فعالیت خود ادامه و آن را گسترش دهند.

زنان قبیسی در اساس از تصورات و اندیشه های دینی سنتی برخوردارند، اما وجود مقداری نرمی و انعطاف در این جماعت به آنان امکان گسترش در محافل مدنی را در قلب شهرهای بزرگ عطا نموده است. زنان قبیسی سالن های تئاتر و استودیوهای تولیدات هنری دارند. آنان در به کارگیری هنرهای نمایشنامه ای و غنائی، که معمولاً برای نهادینه کردن ارزش های اخلاقی میانه رو از آنها بهره می گیرند، با مشکلی روبرو نیستند. تولیدات هنری آنان با وجود ضعفی که دارد، انتشار گسترده ای یافته است. زنان قبیسی در مناسبت های اجتماعی و دینی اقدام به برگزاری جشن های درآمدزا می کنند و معمولاً درآمد این جشن ها در مؤسسات خیریه خدماتی و توسعه ای تحت اشراف زنان قبیسی، هزینه می شود.

شهرت و خوشنامی آنان و نیز فعالیت جدی و پیوسته زنان قبیسی موجب شده آنان بر بسیاری از مدارس و به طور خاص مدارس سوریه اشراف داشته باشند - به عنوان مثال ۴۰٪ از مدارس خصوصی دمشق تحت اشراف آنان می باشد. - زنان قبیسی ثابت کرده اند که می توانند ابزارهای فناوری، تربیتی و آموزشی جدید را برای گسترش دعوت خود به کار گیرند و توان سرمایه گذاری در امور تربیتی را دارند.

هرچند زنان قبیسی بر تصورات و افکار سنتی دینی تکیه می کنند، اما با این وجود، به یک گروه دینی و یا سیاسی خاص و بر ضد دیگر گروه های دینی گرایش ندارند. به همین دلیل و به گفته برخی از پژوهشگران، مانند دکتر رمضان البوطی، شیخ عبدالفتاح البزم، شیخ احمد کفتارو و شیخ عبدالکریم الرفاعی، «هر گروه دینی در سوریه مدعی است که زنان قبیسی وابسته و یا نزدیک به گروهشان می باشد» اما واقعیت این است که زنان قبیسی به همه گروهها نزدیک و در عین حال از همه آنها فاصله دارد.

گفتمان دینی، سیاسی و اجتماعی

یکی از اعضای گروه «زنان قبیسی» در مارس ۲۰۰۷ تلاش کرد خود را نامزد انتخابات پارلمانی مجلس امت نماید، چرا که در کارنامه خود فعالیت اجتماعی گسترده ای داشت، اما «دوشیزه بزرگ» با این تلاش به طور قاطع مخالفت کرد؛ دوری گزینی از عرصه سیاست، یکی از مبانی قبیسی ها بوده که زنان قبیسی در سخت ترین شرایطی که سوریه و منطقه به خود دیده است، از آن پرهیز کرده اند. از سوی دیگر، مفهوم ورود به انتخابات مجلس امت از سوی یکی از زنان قبیسی این است که سازمان قبیسی ها فعالیت مخفی سیاسی را دنبال می کند. این در زمانی رخ می دهد که دستگاههای امنیتی و برخی از سکولارهای تندرو به قبیسی ها هشدار می دهند به این اعتبار که یک سازمان مخفی سیاسی است. اگر به این بانوی قبیسی اجازه ورود به انتخابات داده می شد و با توجه به شرایط داخلی و منطقه ای و بین المللی که نسبت به سازمان های دینی و جنبش های احیاگر اسلامی سیاسی حساسیت فراوانی از خود نشان می دهند، این نقطه آغاز افول جنبش زنان قبیسی می گردید.

مجموعه ای از افکار احیاگرانه اخلاقی کلی و ساده، چارچوب فکری و عملی جنبش این زنان را تشکیل می دهد. سادگی آن، موجب شده به این میزان گسترش یابند. خواهان قبیسی از افکار پیچیده دینی و یا افکار تجدد گرای دینی برخوردار نیستند. این جماعت با استناد به آیات قرآن و سیره صحابه و صالحان صدر اسلام تنها به ارزش های اخلاقی اسلامی متکی بوده و به التزام و پایبندی دینی دعوت می کند. به همین دلیل کتاب های عقیده التوحید من الكتاب والسنة، رجال حول الرسول، نجوم فی فلك الصحابه، مختصر فقه العبادات، تفسیر ابن کثیر، الجامع فی السیره النبویه، المتاح من الموارد والأناشید الملاح، مجلس النور فی الصلاة علی الرسول، و ... مضامین و معارف دینی پیچیده ندارد. هم چنان که بر خلاف جمعیت «زنان مسلمان» در مالزی به فهم زنانه از اسلام مبتنی نمی باشد، تمام دغدغه این سازمان زنانه، مسأله احیاگری دینی میانه رو می باشد. همین امر، رمز اهتمام فوق العاده به مبلغ معروف «عمرو خالد» را برای ما آشکار می کند که زنان قبیسی از وی به عنوان «مجدد دین» یاد می کنند.

شاخصه های اجتماعی

این که برخی از رفتارها و شکل اذکار این گروه با شیوه های معمول در محافل صوفی محافظه کار شباهت دارد، مانند برخی از اذکار و ادعیه اقتباس شده از نقشبندیه به طور مشخص، امری شگفت آور نیست. (شاید به این دلیل که شیخ کبیر این گروه، «منیره القبیسی» متأثر از شیخ احمد کفتارو، شیخ طریقت نقشبندیه بوده است.)

با این که خودداری از ازدواج در میان رهبران زنان قبیسی یک پدیده به شمار می رود، اما می توان چنین موضوعی را تصادفی تلقی کرد، چون بسیاری از زنان قبیسی توجیه اقدام خود را فراغت کامل برای انجام اقدامات تبلیغی عنوان می کنند که مشابه چنین امری در تاریخ اسلام مشاهده می شود. مانند پدیده علمای مجرد که شیخ عبدالفتاح ابوغده، کتابی را با عنوان «العلماء العزاب»^۱ درباره آنان تألیف کرده است. این پدیده باعث گردیده برخی، زنان قبیسی را به راهبان مسیحی نزدیک بدانند، در حالی که چنین مسأله ای حقیقت ندارد، زیرا این گروه مؤسساتی را برای ازدواج تشکیل داده اند.

بیشتر زنان قبیسی دانش آموخته رشته های مختلف دانشگاهی می باشند و رهبران آنان بسیار تلاش می کنند تا شاگردان آنها به سوی کسب مدارج علمی در رشته های مختلف بروند تا زنان قبیسی در تمامی رشته ها دانش آموخته داشته باشد. بسیاری از زنان قبیسی مدارج عالی تحصیلی در سطح دکترا دارند. شایان توجه است که سطح علمی و میزان تسامح دینی در دمشق، سپس بیروت و کویت در اوج خود قرار دارد. به طور کلی، هرچه زنان قبیسی از دمشق - قبله معنوی - دور می شوند، سطح علمی و میزان تسامح دینی آنان و نیز سطح فعالیت هایشان کاهش می یابد.

اکثر شاگردان «دوشیزه بزرگ» در طبقه اول پویایی و فعالیت زیادی دارند. و این مسأله علت گسترش دعوت زنان قبیسی در خارج از مرزهای سوریه را روشن می کند. اما زندگی «امیره جبریل» از نزدیک ترین شاگردان شیخ بزرگ، نسبت به دیگر شاگردان دوشیزگان طبقه اول از بعد کاریزماتیک قوی تری برخوردار است.

وی دانش آموخته دانشگاه العربیه در بیروت می باشد و از یک خانواده سیاسی فلسطینی است که گرایش به چپ آن مشهور است. امیره جبریل در گسترش دعوت قبیسی ها در لبنان، کویت و کشورهای خلیج فارس نقش بسزایی ایفا نموده و شایستگی ایفای نقش مغز متفکر زنان قبیسی را دارد. طبیعی است که این فرد برای جانشینی شیخ کبیر این گروه، یعنی منیره القبیسی که نزدیک به هفتاد و پنج سال

^۱ دانشمندان مجرد

عمر دارد، از موقعیت بهتری برخوردار است. طبیعی است که موضوع جانشینی دوشیزه بزرگ موجب انشعاب در سازمان زنان قبیسی خواهد شد.

رابطه با حکومت

زنان قبیسی توانسته در طول بیش از چهار دهه، دعوت احیاگری دینی و اخلاقی خود را آشکارا یا در نهان دنبال نماید که این مسأله بسته به شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر سوریه انجام شده است؛ به طوری که زنان قبیسی فعالیت خود را از راه تدریس در منزل، مساجد و مدارس ادامه داده اند. در خلال این چهار دهه، از زنان قبیسی هیچ گونه مشارکتی آشکار در مباحث سیاسی- در تأیید و یا مخالفت با حکومت- دیده نشده است. به همین دلیل، آنان توانستند از معضل دهه هشتاد قرن گذشته میلادی که میان اخوان المسلمین و حکومت رخ داد، به خوبی عبور کنند. با این حال، برخی از نویسندگان معتقدند که سازمان قبیسی ها «سازمانی است که به دنبال ایجاد حکومت اسلامی، مانند حکومت طالبان می باشد!» و آنان «در طبقه‌های بالای جامعه نفوذ می کنند تا شبکه‌ای را تشکیل دهند که بتواند در میان تصمیم سازان رخنه نماید.»

اما این مبالغه گویی‌ها- که در بیشتر موارد از سوی افراد اصول‌گرای افراطی (در اغلب موارد چپ‌ها) مطرح می شود- با واقعیت سازگاری ندارند. این گفته ها نتوانسته است دستگاه‌های امنیتی و مسئولان سوریه را قانع کند. این ادعاها تنها سوء استفاده از دغدغه های امنیتی و سیاسی است که به طور کلی در برابر سازمان های اسلامی جهادی احساس می شود. به همین دلیل زنان قبیسی توانسته اند به طور رسمی فعالیت تبلیغ دینی خود را در مساجد و بر اساس شرایط معین دنبال کنند. چرا که تاکنون ثابت نشده که این گروه تهدیدی سیاسی باشد، بلکه بر عکس، توانسته اند در ارائه خدمات اجتماعی و پای‌بندی‌های اخلاقی نقش مهمی ایفا نمایند؛ به طوری که به ثبات جامعه و کاهش اعتراضات کمک کرده اند تا جایی که دولت، کمک به برخی از فعالیت های اجتماعی آنان را پذیرفته است. این در شرایطی است که زندگی در سوریه- و به طور خاص در منطقه عربی- با تغییرات جدی و تحول عمیق در ساختار جوامع خود روبه‌رو می باشند.

افق های آینده نزدیک

به زودی این گروه با بحران تعیین جانشین برای دوشیزه بزرگ مواجه خواهد شد. این بحران در حال حاضر توجه و کنجکاوی رسانه ها را به خود جلب کرده و زیر ذره بین رسانه ای قرار گرفته است، در نتیجه تهدیدات و چالش های فراوانی پیش روی زنان قبیسی قرار دارد. برای آن که آنها بتوانند فعالیت خود را ادامه دهند، نباید خود را از رسانه ها دور سازند. هم چنین باید به فعالیت خود در زیر چتر قانون ادامه دهند و بی طرفی خود را در مسائل سیاسی حفظ کنند. لازم است چارچوب زنانه سازمان به طور جدی حفظ شود و در برابر، باید از برخی رفتارهایی که پیامدهای منفی به همراه دارند- مانند اقداماتی که موجب پدید آمدن این تصور می شود که زنان قبیسی رویکردهای کاهنان و سیستم کلیسایی مسیحی را دنبال می کنند- پرهیز شود. لازم است رویکرد سیاست تسامح گرایانه به دوران معاصر، بیشتر مورد حمایت دوشیزگان، قرار گیرد. آنان باید درباره جانشین دوشیزه بزرگ به خوبی اندیشه کنند، چراکه این سوال روزی به سراغ آنان خواهد آمد و باید توجه داشت، سازمان هایی که بر یک شخصیت کاریزماتیک قوام می یابند، در اغلب موارد با مرگ این شخصیت، دچار فروپاشی می شوند.

زنان قبیسی، جنبشی زنانه است که اهداف احیاگری دینی را دنبال می کند و می توان این جنبش را در نوع خود در جهان اسلام کم نظیر دانست. اعضای این جنبش برخلاف اکثر جنبش های سیاسی اسلامی که متشکل از زن و مرد هستند، تنها زنان می باشند. زنان قبیسی تنها یک جمعیت و یا نهاد زنانه و با هدف دفاع از حقوق زنان نمی باشد، بلکه جنبشی دینی و احیاگر است که پیش از این در جهان اسلام و عرب سابقه نداشته است. اگر اعتقاد برخی صحیح باشد که سقوط طرح و برنامه قومی و شکست طرح های تجدد گرایانه در منطقه سبب گسترش این جنبش و دیگر جنبش های احیاگرانه دینی در منطقه شده، باید گفت که این جنبش زنانه توانسته در حفظ همبستگی و پیوند جامعه بشری در برابر طوفان های تغییر خواهی و شکست ها و نا کامی ها نقشی مثبت ایفا نماید. به ویژه این که این جنبش در برابر عصر حاضر موضعی مثبت در پیش گرفته است.

آیا مقاومت جنبش دینی احیاگر به معنای ضعف هویت ملی است؟ درمورد منطقه خاور میانه باید گفت که آنچه در عراق و لبنان رخ می دهد موجب شده وابستگی دینی و تعلقات دینی در مرحله قبل از وابستگی های ملی قرار گیرد که این، مسأله ای خطرناک است و تا زمانی که جنبش های احیاگر دینی، به عنوان جنبش های سیاسی درصدد تضعیف هویت ملی باشند، این وضعیت خطرناک و ناخوشایند ادامه خواهد

یافت. اما در مقابل این جنبش‌ها، زنان قبیسی فراتر از مرزها گسترش یافته و دین را ابزار فعالیت سیاسی خود نکرده است. به همین دلیل، تا زمانی که این وضعیت را حفظ کند و وارد عرصه سیاست نشود، نه تنها هویت ملی را تضعیف نمی‌کند، بلکه در توسعه و رشد زنان در جهان عرب نقشی بسزا ایفا خواهد کرد. البته اگر همچون گذشته، بی‌طرفی سیاسی، روند تکاملی، رابطه خود با مقتضیات زمان و فناوری‌های جدید را به طور خلاقانه دنبال کند.